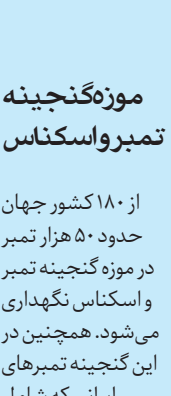
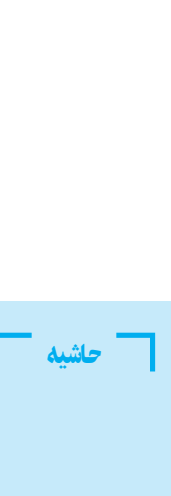
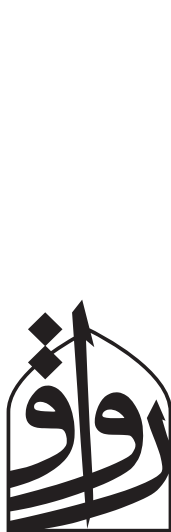


بیایید این گونه زیارت کنیم



ما بر تمامی احوال و اخبار شما آگاه و آشناییم و چیزی از شما نزد ما پنهان نیست.



موزه گنجینه تمبر واسکناس

از ۱۸۰ کشور جهان حدود ۵۰ هزار تمبر در موزه گنجینه تمبر و اسکناس نگهداری می‌شود. همچنین در این گنجینه تمبرهای ایرانی که شامل دوره‌های قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران است نیز به چشم می‌خورد. در بخشی از این گنجینه تمبرهای رانصف می‌گردند) از جمله تمبرهای ارزشمند این مجموعه محسوب می‌شوند.

کتاب‌ها گاه راهنمای خوبی برای انجام بهتر اعمال ما هستند و می‌توانند در کیفیت بخشیدن به آن‌ها به ما کمک کنند. در حوزه زیارت هم کتاب‌های متعددی منتشر شده‌اند که برخی از آن‌ها برای خواننده عموم مناسب است. کتاب «بیایید این گونه زیارت کنیم» یکی از این آثار است که در آن سعی شده

«ما حواس پر تیم!»

درست شبیه دورنمای تصویری است که از یک راننده کامیون سراغ داریم؛ خودش می‌گوید یک جایی زندگی، به کل همه خستگی‌هایش را گذاشته قبل خط و تر و تازه و تردماغ و بی‌خستگی پایش را گذاشته توی نیمه

دوم زندگی‌اش. آن هم درست توی شب عروسی دختر اولش، موقعی که چادر سفید را انداخته‌اند روی سر عروس. به حساب و کتاب خودش این زندگی و حال خوب و بیچه‌هایش، مال گازوئیلی است که قاچاق نکرده،

گوییم، آسیب‌های محتمل در سر راه را بازساناسیم و آداب زیارت را به نیکی به تصویر بکشیم. همچنین تلاش شده است صرفاً آنچه در روایات بدان اشاره شده بازگو شود و هر چه راستندی روایی بر آن نیافتیم -گرچه مشهور- ذکر نهموده‌ایم هر چند آن را انکار نیز نمی‌کنیم. محررگویی و خلاصه‌نویسی

باری که اضافه و بی‌بازنامه نیاورده و نانی که حرام نکرده. برای همین هم یک جای گفت‌وگو می‌گوید: من همه چیزهایی را که خواسته‌ام، خدا توی زندگی بهم داده.

کمتر شده. خلاصه الان عصر عصر کامپیوتر شده و حقه‌بازی‌ها و کلک‌ها هم بیشتر است. یادم هست دوسه ماو اول کارم، یک سرباز پلیس راه را از نایین سوار کردم که بیرم اردستان. توی راه صحبت کردیم. گفتم: «شماها چرا این قدر به ما گیر میدین؟» گفت: «شما چرا خلاف می‌کنین؟» گفتم: «ته خلاف مگه چیه؟ زندان؟» گفت: «نه». گفتم: «چی از زندان بدتر؟» گفت: «اینکه زن و بچه تویبفتن دنبالت وپیش سرباز واستوار التماس کنن برای یک دقیقه ملاقات بیشتر». اول خیلی ناراحت شدم، ولی بعد وقتی پیاده شد، دیدم بهترین درس را به من داده. حرفش تا امروز توی گوشم مانده. یکی هم به خاطر پدرم -خدا رحمت کند امواتنان را - که می‌گفت: «بابا من عمری ازم نمونده. بذار من آفتاب که میرم پیش این پیرمردها می‌نشینم، نگن بچه فلانی قاچاق کرد، بذار آبروی ما سر جاش باشه...».

هیچ وقت نگران نبودید که کم بیاورید؟

نه، خدا می‌رسانده. حتی وقتی که زمین خورده‌ام.

شده که حسایی کم بیاورید؟

۸ خرداد ۸۹ بود که کامیونم دوب شد؛ توی انفجار معروف دکل ۲۳ قصر شیرین، لایه‌لای آتش چاه نفت. کامیون خوم که البته نه... فقط ۲۰ تا قسطش را داده بودم. تا به خوم آمدم، دیدم خودش دود شده و ماند ۴۰ تا قسط دیگرش. با یک سوئیچ خالی برگشتم خانه. پسرعمه‌ام که خودش پنج تا کامیون دارد، می‌گفت: «تو چجوری سکنه نکردی اون روز؟».

بعد از آن، من دیگر صاحب ماشین نشدم؛ تا همین امروز که هنوز هم راننده مردمم. شدم ناشکر خدا. اعتراض کردم که: «چرا ماشین من سوخت؟ منی که سیگار قاچاق و گازوئیل نکردم؟!...» ولی سرم را که بلند کردم، دیدم دو طبقه خانه دارم. یعنی خلاصه‌اش این طوری است: قبل اینکه قرارداد شرکت نفت را ببندم، تریلی را در حیاط فروخته بودم و با کشنده خالی رفته بودم سر کار. با خودم گفتم سال بعد که قراردادم تمام‌شود، دوباره تریلی می‌خرم. پولش را هم زدم به یک زمین. این بود تا سوختن ماشین. بعد حادثه هم هیچ پولی نداشتم. ولی خلاصه رسید؛ از این‌ور و آن‌ور، از بیمه. جمع و جور کردم و سه روز بعد حادثه مشغول شدم به بنایی. خدا کمک کرد که از فکر ماشین بیایم بیرون و سکنه نکنم. تا به خوم آمدم، دیدم دو طبقه خانه دارم. بعد دو طبقه را فروختم و دو تا خانه خریدم. انگار خدا کامیون را ازم گرفت و دو تا خانه بهم داد. همکارهایم ماشین‌دار شدند و من خانه‌دار. باز من ناشکر از آن‌ها جلو بودم.



۷۰۰ هزار تومان می‌خرند. من ولی کشک و بادمجان خورده‌ام، حسرت خورده‌ام، زجر کشیده‌ام، ولی یک لیتر گازوئیل قاچاق نکردهام. فکر کن که باک ماشینم هزار و ۱۰۰ تا گازوئیل می‌گیرد. می‌شود ۸۰۰ تایش را فروخت.

نغروخته‌اید؟

نه. فکر کننید رفته‌ام بندرعباس که بار بزنم. صاحب بار گفته مثلاً «این تلویزیون رو هم ببر تهران، تحویل بده و کرایه‌ات رو بگیر». نبرده‌ام. چرا؟ به خاطر خانواده‌ام. چون دو تا دختر دارم. نمی‌خواهم اتفاقی بیفتد و رو کنند به من که: «بابا تو این پولو آوردی تو خونه...». مثلاً بارم فروش بوده، ولی صاحب بار با زنگ‌بازی اصرار کرده که یک تلویزیون هم کنار بار بگذارد. ولی من حتی یک دانه هم نبرده‌ام.

فقط به خاطر خانواده؟

بله. چون چیزی که خواسته‌ام، خدا توی خانواده‌ام بهم داده. الان یکی از دخترهایم ۲۹-۲۸ سالش است. باور کننید نگاهش که می‌کنم، کیف می‌کنم. شبی که عقدش کردند، انگار خستگی تا آن مدت عمرم از تنم بیرون آمد. ولی برای دختر بعدی‌ام نگرانم. چرا؟ چون شاید الآن نسبت به قبل مراعاتم

نمی‌کنم. ولی من اهلیش نبوده‌ام. یعنی توی شغلم می‌توانم به همین حرمی که مقابلم است، قسم بخورم که یک لیتر گازوئیل قاچاق نکردم. همین الآن توی بندرعباس گازوئیل را بشکاه‌ای ۴ میلیون و

هیچ عجب نیست که بسامد خاطراتی که به حرم گره خورده‌اند بیشتر از بقیه باشد منتها در این مجموعه هم گاه خاطراتی هستند که از بقیه ماندگارترند و از پس عبور ماه‌ها و سال‌ها همچنان تازه به نظر می‌رسند. مانند خاطره یک روز اردوی فرهنگی از مدرسه به موزه حرم مطهر؛ خاطره‌ای که تصاویر آن هنوز توی ذهنم با قدرت جایشان را حفظ کرده‌اند و مکانی پر از کمدهای چوبی با درهای شیشه‌ای که حافظ گنجینه‌های تاریخی بودند. این کمدها و قفسه‌ها با محتویات داخلشان برای من همچنان تماشایی است و لذت تماشای انواع نقاشی‌ها، طرح‌های گل و مرغ، قرآن‌های خطی نفیس و... همراه من است. حالا که دیدار دوباره این مجموعه دست داده است حس می‌کنم آن نوجوان کنجکاو دیروز همچنان زنده است و دوباره آمده است که به کمک گنجینه‌های موجود در موزه مرکزی آستان قدس سفری در زمان داشته باشد. سفری که در این روزهای خوش اردیبهشتی می‌تواند شما و خانواده‌تان را سرگرم کند و یک خاطره ماندگار برای فرزندان‌تان بسازد.

موزه‌ای کامل و جذاب برای گردشگران

شاید گنجینه هدایای رهبر معظم انقلاب شروع جذابی برای بازدید از موزه مرکزی آستان قدس رضوی باشد، در این گنجینه آثاری مشاهده می‌شود که توسط سران کشورهای خارجی، شخصیت‌های برجسته ایرانی و خارجی، هنرمندان و ارادتمندان به رهبر انقلاب اهدا شده و ایشان نیز این آثار را به موزه آستان قدس رضوی هدیه کرده‌اند.

تابلوهای خط و تذهیب، نقاشی، فرش، تراش

گنجینه

با خانواده به موزه مرکزی آستان قدس رضوی بروید

سفری در زمان برای دستیابی به هویت



روی شیشه، معرق چوب و صدف، سوزن‌دوزی، قلم‌زنی روی مس، انواع ظروف، ماکت‌ها و مدال‌ها از جمله آثار این گنجینه هستند. همچنین مجموعه نقیسی افزون بر ۱۴ هزار عنوان کتاب خطی توسط رهبر انقلاب به آستان قدس رضوی اهدا شده است.

وجود ۵۷۸ نسخه در حوزه علوم قرآنی که شامل ۷۵ جلد قرآن کریم خطی، ۳۹۷ نسخه در موضوع علوم قرآنی و ۱۰۵ نسخه در حوزه تجوید و قرائت می‌شود نیز از دیگر وقف‌های رهبر معظم انقلاب به موزه آستان قدس رضوی است. یکی از آثار نفیس هدایی رهبر انقلاب به این موزه، قرآن منسوب به دستخط مبارک امام حسین(ع) است که در حال حاضر از آثار منحصر به فرد و جزو نفایس خطی جهان اسلام محسوب می‌شود.

آثاری از هنرمندان مشهور ایران و جهان

اگر علاقه‌مند به تماشای آثاری از استادان برجسته ایران و جهان نظیر استاد کمال‌الملک، استاد شمس، ویلیام جیمز انگلیسی و بنیامین ویلیامز لیدر ایتالیایی هستید، بازدید از گنجینه هنرهای تجسمی موزه آستان قدس رضوی را به شما پیشنهاد می‌کنیم، زیرا در این گنجینه همه این آثار برای علاقه‌مندان به نمایش گذاشته شده است. همچنین تابلوهای نفیس دیگری نیز از نگارگران و نقاشان ایرانی همچون استاد رضا بدرالسماء، استاد مهدی فرخی و... زینت بخش سالن گنجینه هنرهای تجسمی شده است.

۱۰۰ تخته قالی و قالیچه در گنجینه فرش

ساختمان موزه فرش آستان قدس رضوی ساختمان جدیدی با مساحت ۶ هزار و ۶۰۰ مترمربع بوده که ۱۰۰ تخته قالی و قالیچه در این فضا به نمایش گذاشته شده است.

قالی هفت شهر عشق که نمای هفت شهر مقدس مکه، مدینه، نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد در آن بافته شده و قالی گلابتون که در آن تارهایی از ابریشم با رشته‌نازک طلا یا نقره پیچیده شده از جمله فرش‌های مشهور و منحصر به فرد این گنجینه محسوب می‌شوند. شما با بازدید از یک موزه‌انگار به شهرهای دور سفر و با شخصیت‌های تاریخی ملاقات کرده و سبک زندگی گذشتگان را مرور می‌کنید. مروری که شما و فرزندانتان را به گذشته تاریخی‌شان پیوند زده و به این شکل بخشی از هویت آن‌ها را برایشان یادآوری می‌کند. با این توصیف می‌توان گفت مجموعه موزه‌های اینجیننی در واقع نگهدار هویت ما هستند و دیدار از آن‌ها دیدار با هویت‌مان است.

در عین حال استاندارد و اتقان علمی، خط مشی همیشگی ما در این کتاب است.».

«بیایید این گونه زیارت کنیم» تألیف حجت‌الاسلام شیخ روح‌الله شفیعیان توسط انتشارات به نشر چاپ شده و در هفت فصل به مباحث پیرامون زیارت پرداخته است.

ولی ما حواسمان به چیزهایی که خدا داده، نیست؛ به بچه‌ام که حالش خوب است، مادرم که پیشمان زندگی می‌کند و مریض نیست، زنم که سازگار است و هوای ما و زندگی را دارد. می‌دانید، ما حواس پر تیم!



بعضی دیدارها می‌توانند مبدأ باشند. مبدأ شروع حرکتی یا آغاز راهی. بعضی از دیدارها نیز می‌توانند مقصد باشند یعنی با آن دیدار تو دیگر به نقطه پایان آنچه می‌خواستی می‌رسی و دلت نمی‌خواهد دیگر از آن نقطه خارج شوی. دیدار امام معصوم(ع) برای بعضی از ماها بازگشت است. بازگشت به مسیری که گمش کرده بودیم و از آن دور افتاده بودیم. آن هم نه یک برگشت ساده که بازگشتی با شانه‌های سبک و دل و جان تطهیر شده. بازگشتی که گاه می‌تواند ثمره‌اش توبه‌ای قطعی و بدون شکست باشد.

اگر می‌خواهید بدانید این بازگشت چگونه در زیارت نصیب شما می‌شود، می‌توانید به آداب زیارت نظری بیندازید. توبه و استغفار از گناهان و تصمیم به بهتر کردن حال، کردار و گفتار خود پس از فراغت از زیارت یکی از اعمالی است که در آداب زیارت امامان معصوم(ع) در مفاتیح‌الجنان آمده است. زیارت امام از راه‌های مختلف به ما در بازگشت و توبه از خطاهایمان کمک می‌کند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

راه بازگشت باز است

شاید بتوان گفت نخستین اثر دیدار امام این است که به ما یادآوری می‌کند راه برای بازگشت به سمت خدا بسته نیست. همین یادآوری و همین امیدبخشی به ما کمک می‌کند برای بازگشت و جبران اشتباه‌های خود اقدام کنیم. اگر مروری بر محتوای زیارت‌نامه‌ها داشته باشید، متوجه می‌شوید با عبارت‌های بسیار لطیفی به این موضوع اشاره شده است. مثلاً در زیارت امین‌الله می‌خوانیم: «سبل الراغبین الیک الشارعه... و توبه من اناب الیک مقبوله» یعنی «خدایا، راه‌های مشتاقان به سمت توبه باز است و توبه آن کس که به سمت تو بازگردد، پذیرفته است».

زیارت پناهگاهی برای ترک گناه است

دیدار امام، دیدگاه ما نسبت به گناه را تغییر می‌دهد و ما را از اثرات مخرب آن آگاه می‌کند. در زیارت امام رضا(ع) می‌خوانیم: «اتینک زائراً وافدا عائذاً مما جنیت علی نفسی واحتطیت علی ظهری» یعنی «برای زیارتت آمدم و به توبه‌پناه آوردم از جنایت‌های خودم بر خودم که بر پشتم انباشته شده و سنگینی می‌کند». اگر سنگینی گناه را احساس کنیم و اگر دیدگاه ما این باشد که گناه ما را از رسیدن به جایگاه والای انسانیمان دور می‌کند؛ آن‌گاه هر گناهی را ستمی بزرگ و جنایتی در حق خودمان می‌بینیم و برای ترک آن لحظه‌ای درنگ نمی‌کنیم.

امام واسطه مهربانی است

تصمیم برای ترک و جبران خطاها کار دشواری است. امام واسطه مهربانی است که از او برای قبولی توبه و موفقیت در ترک خطاهایمان، کمک می‌طلبیم. امید و اعتقاد به اینکه امام در این کار، در کنار ماست، به ما قوت قلب می‌دهد. در کامل‌الزیارات آمده است: «یا ولی‌الله! ن لی‌ذنوبا کثیره فاشفع لی‌الی‌ربک... فان لک عندالله جاهاً و شفاعة». یعنی «ای ولی خدا، به راستی من گناهان بسیاری دارم پس مرا به درگاه خدا شفاعت کن زیرا تو در نزد خدا آبروداری و شفاعت پذیرفته‌است». (کامل‌الزیارات، باب ۱۱، ص ۴۵، ج ۳)

زیارت گناهانمان را از بین می‌برد

یکی از آثار زیارت که به ما در روایت‌های اسلامی وعده داده شده است، پاکی از گناهان است. در این خصوص آمده است که فرد زیارت‌کننده پس از بازگشت از زیارت گناهانش پاک می‌شود مانند روزی که از مادر زاییده شده است. «مَنْ زَارَ قَبْرَکُمْ... وَخَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ حَتَّى يَرِجَعَ مِنْ زَيَارَتِکُمْ کَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ» هر کس زیارت کند قبور شما را... از گناهانش پاک شده باشد، همانند روزی که از مادر متولد شده بود». (کامل‌الزیارات، ص ۱۵۸، باب ۶۴، ج ۱)